

۶- خانواده پرولتری و کار خانگی: خانواده طبقه کارگر عرصه

غالب برای باز تولید نیروی کار به مثابه کالا است، هم به وسیله حفظ و ادامه نیروی کار روزانه هر کارگر، یعنی باز تولید نیروی کار به مثابه کالا و هم پرورش نسل های آینده کارگر، مرکز انجام این کار در خانه است که در واقع خارج از محیط تولید اجتماعی می باشد. این کار خانگی در حد طاقت فرسانی به وسیله زنان انجام می شود و آنان در مقابل این کار هیچ گونه دست مزدی نمی گیرند. در عوض، طبقه کارگر روی هم رفته، یک دستمزد برای باز تولید این نیروی کار دریافت می دارد که در آن دست مزدی برای کار زن محاسبه نشده است و تصور بر این امر گذاشته می شود که دست مزد شوهر، کل خانواده را تأمین خواهد کرد. این امر در نتیجه، باعث وابستگی فوق العاده زنانی که بیرون خانه کار نمی کنند، بر شوهران شان می گردد. جدائی بین کار در خانه از بقیه کارهای اجتماعی به نفع سرمایه که در کارخانه و امثالهم انجام می شوند، ریشه موقعیت نامساوی زنان با مردان می باشد.

خصلت کار در خانه عموماً تکراری و سخت بوده و زن آن را در خلوت خویش و جدا از دیگر زنان - که آن ها نیز به همین کار مشغولند - انجام می دهد. این امر آن ها را از خصلت اجتماعی کار در نظام سرمایه داری بریده و دور می کند. در حالی که این ارتباط اجتماعی برای طبقه کارگر به عنوان یک طبقه آگاه و منسجم که قادر است تغییرات اجتماعی را به وجود آورد، حیاتی به شمار می آید. این نکته در رابطه با هم آن هائی که به کارهای خانگی اشتغال دارند، زنان، مردان و کودکان، صادق است.

نظام سرمایه داری در عمل ثابت کرده است که توانائی اجتماعی کردن کار خانگی را ندارد. اگر چه خیلی از انواع کارهای خانگی گذشته، مانند خیاطی و آماده کردن مواد غذایی در نظام سرمایه داری تبدیل به صنایع پر سودی شده اند، به سایر کارهای خانگی مانند نگهداری از کودکان، بیماران و آنان که به کمک و توجه در خانواده نیاز

ریشه و طبیعت متغیر ستم بر زنان ۶- خانواده پرولتری و کار خانگی

دارند، رسیدگی کافی با روش های اجتماعی نشده است. این رشته از کار در "اهل خانه" است که سرمایه داری قادر به اجتماعی کردن کامل آن نیست.

پتانسیل لازم، اما، برای اجتماعی کردن این رشته های کار خانگی آشکارا وجود دارند. در طول جنگ جهانی دوم در انگلستان و آمریکا طبقه سرمایه دار از طریق دولت خود آماده بود که مهدکودک های عمومی، غذاخوری های عمومی و لباسشویی های عمومی را درست کند که در طول این دوران و تا بازگشت مردان از جنگ، بتواند از حداکثر نیروی زنان کارگر استفاده کند.

طبقه سرمایه دار، اما به این دوره ها به عنوان وضعیت استثنائی می نگرد. اگر به چنین اقداماتی برای همیشه دست زده شود، ارزش اضافی کلی در جامعه سرمایه داری تا حدی به فقیرا کشیده می شود که نظام دیگر نمی تواند بر روی پاهای خود بایستد. حتی آن خدماتی را هم که این نظام مجبور به فراهم کردن شده است، مانند خدمات بهداشتی عمومی و خدمات رفاهی، در مقابل نیروی بحران های نظام مورد تهدید قرار می گیرند، زیرا که بورژوازی مجبور به قطع "دستمزدهای اجتماعی" طبقه کارگر می گردد.

دلیل دیگر نظام سرمایه داری برای این که نمی خواهد و یا نمی تواند کار خانگی را تماماً اجتماعی کند، گذشته از این که قدرت مالی آن را دارد یا نه، این است که اساس خانواده را این تغییر، به طور کلی به هم خواهد زد. خانواده صرفاً یک دکور برای نظام سرمایه داری محسوب نمی شود، بلکه یک ساختار اجتماعی است که در چارچوب آن همواره می توان به ستم وارد بر زنان و جوانان ادامه داد و به خاطر حفظ همین ترکیب از خانواده است که بر زنان و مردانی که تمایلات جنسی به هم جنس دارند نیز ستم می شود. خانواده به شکلی فعلی آن، پایه استواری برای حفظ وجود نظام سرمایه داری است.